

نسیم روحبخش معماری ایران بر کالبد معماری هند پس از اسلام سمیه نوری نژاد*

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۲

چکیده

معماری ایران و هند میراث مشترک دارند، و آن هنر و معماری « دوره تیموری » است، اما بدین دلیل که معماری تیموری نیز اصالتاً یک معماری ایرانی بود، محققان تردیدی ندارند که حضور بارز هنر ایرانی در هند به ویژه پس از اقامت یکی از سلاطین مسلمان هند (همایون) در ایران و به همراه بردن هنرمندان ایرانی به آن دیار توسط این سلطان، هویت هنر و معماری اسلامی - ایرانی هند را رقم زد.

ظهور اسلام و ورود آن به ایران، تاریخ نوینی را در این سرزمین رقم زد و به ویژه در بُعد هنر و معماری، سبک ها (و به تبع آن آثاری) را آفرید که تمامی اقصا نقاط جهان را درنوردید.

در این میان ارتباط میان ایران و هند بالاخص پس از ورود اسلام به آن سرزمین، وارد مرحله جدیدی شد و همان تأثیر و تأثر متقابل، در ابعاد گسترده تری ادامه یافت.

حضور هنر اسلامی - ایرانی در هند در دو دوره، حکومت های اسلامی در آن کشور تجلی یافته است. دوره اول با حکومت قطب الدین ایبک در سال ۵۷۱ هجری (۱۱۹۳ میلادی) آغاز می شود و با تشکیل سلسله های مختلف در شمال و مرکز هند ادامه می یابد.

دوره دوم که دوره اوج گیری هنر و معماری اسلامی در هند با خلق بناهای جاودانی چون تاج محل و نگار گری های بی مانندی نظیر « اکبر نامه » و « حمزه نامه » است که با حکومت ظهیر الدین بابر تا سال ۱۲۳۶ هجری ادامه می یابد.

کلید واژه ها: منار قطب، قوت الاسلام، معماری تغلقی، مسجد جامع فتح پور، تاج محل معماری ایرانی،

مقدمه:

در بررسی میان آثار و بناهای دو تمدن بزرگ هند و ایران به نقاط مشترک فراوانی بر می خوریم، بین دو تمدن بزرگ هخامنشی و موریای هند، بین حکومت پارتیان ایران

و بوجود آمدن سبک یونانی - بودایی در هندو نیز سبک ماتورای هندی و هم چنین بین دو حکومت ساسانی در ایران و عصرگوپتا که منجر به زایش سبک ایرانی - بودایی شد. جدای از این تمدن ها که تأثیرات شگرفی بر یکدیگر نهادند. با آغاز اسلام در ایران و تشکیل اولین حکومت های اسلامی در هند این تأثیرات هرچه بیشتر شد، چنان که برخی از محققین معتقدند در مشرب عرفان و تأثیر پذیری عرفای ایرانی از مکتب عرفانی - هندی می توان مکتب و جهان بینی هند را تأثیر گذار دانست. از دلایل این نکته می توان به نزدیکی جغرافیایی شمال شرق ایران که یکی از مراکز اصلی مکتب عرفانی ایرانی است با سرزمین هند دانست ، باشخصیت هایی چون بایزید بسطامی که از همین منطقه است. ظهور اسلام و ورود آن به ایران ، تاریخ نویسی را در این سرزمین رقم زد و به ویژه در بعد هنر و معماری ، سبک هایی را آفرید که تمامی اقصی نقاط جهان با آن آشنا شدند. در این میان ارتباط میان ایران و هند به خصوص پس از ورود اسلام به آن سرزمین ، وارد باب جدیدی شد و همان تأثیر و تأثر متقابل ، در ابعاد گسترده تری ادامه یافت.

معماری ایرانی

ایران ما سرزمین کهنسالی است با معماری بناها، فضاها و یا مجموعه ها و شهرهایی که برای زندگی مردم آن ساخته شده است. این که ما در کدام منطقه جغرافیایی هستیم و چه تاریخی را پشت سر گذارده ایم، طبیعت و آب و هوای این سرزمین چگونه است و تجربیات برهم انباشته زندگی در این سرزمین چه درس هایی به مردم خود و سایر نقاط جهان داده و... ظرایفی است که قطعاً در شکل گیری خصوصیات معماری آن اثر گذار بوده است و این ویژگی هاست که معماری ما را از سایر نقاط متمایز می کند.

معماری ما هم به ایران تعلق دارد و هم به اسلام و این مخاطبانانش هستند که در درون یک اثر هنری مانند معماری می توانند اعتقادات ، باورها ، ترس ها و امیدهایشان را بیابند. معماری ، هنری ناب و هنر پدیده ای فرهنگی است . راه فهم نهایی هنر نیز از درون فرهنگ است. اما با شناخت فرهنگ به اتمام نمی رسد. بلکه باید به حقیقت آن پی برد، و این حقیقت منتج از عملی خلاقه در تبدیل آن مفهوم به اثر است. از جهت تاریخی معماری ایران، تاریخی طولانی ، حدود هزارو چهارصد سال دارد. در این دوره طولانی و در آن جغرافیای وسیع، این معماری هر روز در مکانی

متولد شده و در مواقعی در اوج بوده و گاهی در حفیض، گاهی سکون پیشه کرده و گاهی در شتاب بوده است، در یک نگاهی کلی، از قرن اول تا چهارم هجری قمری آثار زیادی باقی نمانده، اما دوره ای همراه با تولد معماری ایرانی اسلامی است. قرون پنجم و ششم دوران اوج گیری است. قرن هفتم که با حمله مغول آغاز می شود؛ دوران سکوت است و قرن هشتم، زمان حرکت پر شتاب و پر هیجان با نو آوری هاست. قرن نهم، آغاز تصمیم گیری و قرن دهم، ادامه آن و قرن یازدهم، دوران شکوفایی است. قرن دوازدهم، دوران مکث و آغاز حرکت جدید و قرون سیزده و چهارده نیز عصر مهم نو آوری و خلاقیت های دوباره، همزمان با خود باختگی است. بررسی ویژه ما در این مقاله مربوط به تأثیر معماری ما از قرون هفت و هشت به بعد تا قرن یازده می باشد. و در این میان به عناصر و ابنیه ای اشاره می شود که ویژگی های معماری ما را بازگو کنند.

شاخصه های معماری ایرانی

منظور از شاخصه، کلی ترین، مهم ترین و اصلی ترین در یافت های مخاطب از یک معماری است و این شاخصه ها هستند که صفات مهم یک معماری را نمایان می سازند، برخی از مهم ترین ویژگی های معماری ما عبارتند از: معماری خاک و گل، معماری دو رویه، معماری درون، معماری حیاط ها، معماری فضاهای نیم باز، معماری پیوند فضاهای باز و بسته، معماری حکایت گر، معماری تمامیت و قطعیت، معماری و قار و اعتدال، معماری صراحت و سلاست معماری نقش و رنگ، معماری ظریف و لطیف، معماری همدمی با آب، معماری هم نشین با خط و..... می باشند. که در اکثر بناهای دوره گورکانیان هندو... که به دست پادشاهان مسلمان آن ها و با الهام از معماری ایرانی ساخته شده؛ دیده می شوند. ما در مبحث شیوه های معماری از شش شیوه در تاریخ معماری خویش بهره مند بوده ایم که با عنوان شیوه های، پارسی (مربوط به معماری مادها تا آخر دوره هخامنشی است)، پارتی (به معماری ایران، بعد از حمله اسکندر تا زمان حمله اعراب به ایران و آخر حکومت ساسانیان گفته می شود)، خراسانی (از سده اول هجری تا سده چهارم هجری یعنی زمان حکومت های آل بویه و دیلمیان می باشد و به چهل ستون، شبستانی و عربی نیز مشهور است)، شیوه رازی (این شیوه از دوره آل زیار آغاز و در دوره های آل بویه، سلجوقیان، اتابکان و خوارزمشاهیان تا زمان حمله مغول متداول بوده، و به این شیوه معماری اصیل ایرانی گفته اند چرا که عاری از هرگونه تأثیر هنرهای بیگانه می باشد.)، شیوه آذری (این شیوه از زمان ورود ایلخانان به ایران آغاز می شود، سال ۶۱۶ هجری، و تا شروع حکومت صفویان ادامه می

یابد. این شیوه خود به دو دوره تقسیم می گردد ، دوره اول از زمان «هلاکو خان مغول» و پایتخت شدن مراغه و دوره دوم از زمان « تیمور» و پایتختی سمرقند آغاز می شود. ، شیوه اصفهانی (آخرین شیوه معماری ایران است. خاستگاه آن سرزمین آذر بایجان بوده ولی سبک معماری در اصفهان رشد نمود ، از زمان امیران قره قویونلو ، کمی پیش از روی کارآمدن صفویان آغاز و تا آخر دوره قاجار ادامه داشت).

تأثیر معماری ایران بر هند پس از ظهور اسلام

حضور هنر اسلامی - ایرانی در هند در دو دوره حکومت های اسلامی در آن کشور تجلی یافته است. دوره اول با حکومت قطب الدین ایبک^(۱) در سال (۵۷۱ هجری)، (۱۱۹۳ میلادی) آغاز می شود و با تشکیل سلسله های مختلف در شمال و مرکز هند ادامه می یابد. دوره ی دوم که دوره اوج گیری هنر و معماری اسلامی در هند با خلق بناهای جاودانی چون تاج محل و نگار گری های بی مانندی نظیر « اکبر نامه » و « حمزه نامه» است با حکومت ظهیر الدین بابر^(۲) در سال (۱۵۲۵ میلادی)، (۹۰۳ هجری) آغاز و تا سال ۱۸۵۸. م) ادامه می یابد. دوره اول ، در تاریخ خود اثر بی نظیری از معماری را با خود دارد که امروزه نماد شهر دهلی محسوب می شود ، به زبان محلی « قُطْب منار » منار بلند و باشکوهی که توسط اولین حاکم مسلمان هند در سال ۵۷۱ هجری (۱۱۹۳ م.) الی ۵۷۵ هجری (۱۱۹۷ م) در دهلی ساخته شد. در این سال یکی از سرداران محمد ابن سام (سلطان غوری خراسان) به نام « قُطْب اَلدین اِیْبک » توانست طوایف شمال هند را شکست داده و اولین حکومت اسلامی را در آن جا تشکیل دهد. وی بلا فاصله پس از فتح دهلی دستور ساخت مجموعه « قُوتُ اَلاسلام » را صادر کرد و از آن مجموعه تأکید بیشتر را بر مناره مسجد گذاشت تا نماد پیروزی اسلام در آن سرزمین باشد. تخریب ۲۷ معبد جین - یکی از مذاهب هندی - و استفاده از مصالح آن برای ساخت مسجد و نیز آوردن ستونی آهنی به طول ۷ متر ، یکی از معابد ویشنو و قرارداد آن در یکی از محوطه های مسجد ، نشان از اعلام پیروزی اسلام در سرزمین هند بود. این مناره به سبک (منار جام) در افغانستان و تقریباً هم زمان با آن ساخته شد تا هر دو نماد پیروزی سرداران فاتح آن باشد. باتوجه به بناهای احداث شده در زمان حکومت مسلمانان در هند معماری مساجد بسیار مورد توجه قرار گرفت و این ابنیه وام دار معماری هنرمندان ایرانی است. بدین سبب معماری مساجد به شیوه ایرانی را بررسی می کنیم تا

با ویژگی برخی از مساجد سبک ایرانی درهند آشنا شویم. عناصر فضایی اصلی در معماری مساجد ایرانی عبارت‌اند از: ۱- صحن ۲- ایوان ۳- مناره ۴- شبستان ۵- گنبد ۶- محراب ۷- منبر

قُطب (۳) منار

این بنای خارق العاده که امروزه ارتفاعی در حدود ۷۳ متر دارد و بلندترین منار سنگی جهان محسوب می شود در طول سالیان بعد تکمیل و ترمیم شده است. «گِرابار»^(۴) و «اتینگ هاوزن»^(۵) سبک این بنا را ایرانی و مصالح آن را هندی می دانند. طبقه اول این منار با کتیبه های بسیار زیبا ی قرآنی بر روی سنگ سرخ در زمان خودِ قطب الدین و دیگر طبقات آن توسط جانشین او آلتیتمِش^(۶) (۵۹۰ هجری، ۱۲۱۱ میلادی) و بالاترین سطح آن توسط فیروز شاه (۷۵۲ الی ۷۹۱ هجری) ساخته شد.

نقش مناره (گلدسته) در معماری ایرانی:

«منار» و «مناره»: در زبان عربی به معنای جای نور است. گلدسته، ستون بلند و ساختمان برج مانند که در معابد و مساجد درست می کنند برای چراغ روشن کردن یا اذان گفتن، یکی از عناصر اصلی فن و هنر معماری ایرانی که در اسلام جلوه گر شده و زیبایی خاص خود را دارد ساختمان گلدسته هاست. به طور کلی مؤذن از همان آغاز اسلام جایگاه مخصوص داشته است هم چنان که بلال در زمان پیامبر اکرم (ص) بر بلندترین بام های منازل یا بر روی استوانه ای می رفت و اذان می گفت. منار پیش از اسلام عنصر نمادین برای راه جویان بیابان ها بود که در حیطه ی حکومت ساسانی نوعی آتشیگاه نیز محسوب می شد و نگهداری آتش آن با موبدان به منظور عبادت و راهنمایی بود. بعد از اسلام در کنار مساجد عنصری نمادین گشت و این بار سبب هدایت دیده و دل به سمت مکان مقدس مسجد گشت. قدیمی ترین مناره ها در ایران در همان قرون اولیه اسلام، در آناتولی از قرن پنجم هجری به بعد و در هندوستان از قرن هفتم به بعد ساخته شد. زینت دادن، منقوش کردن و رنگین کردن مناره ها از نیمه قرن سوم هجری به بعد مرسوم شد و هنرمندان ایرانی توانستند آن را با آجر و گچ با کاشی رنگی و با استفاده از آیات و احادیث نبوی زینت دهند.

مجموعه قوٰتُ الاسلام:

قطب منار یکی از اجزای آن است و شامل اجزای دیگری نیز هست. گفته می شود، نخستین عنصر این مجموعه مسجدی است بر پایه پلان قدیمی ستون دار، روی صفحه یک معبد قدیمی هندی در سال (۱۱۹۹ م.) یک نمای پیشین در سمت قبله ی صحن ساخته شد که دارای یک قوس ایوان ایرانی و محدود به قوس های کوچک تر بود اما: « با فن هندی کاربرد سنگ و با آرایشی پر مایه که جز آرایه ایرانی چیز دیگری نیست.» (بلر. جانانان ام بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸۱) شمس الدین آلتیتمش بین سال های (۵۹۰ تا ۶۱۵ ه. ش) مسجد را گسترش داد و آرامگاه خود را در بخشی از آن بنا کرد. تأثیر معماری ایرانی بر ساخت این بنا و نیز استفاده از کتیبه های قرآنی بر روی سنگ سرخ، جلوه ویژه ای به آرامگاه «آلتیتمش» داده است.

در سال ۶۸۹ هجری (۱۲۹۰ میلادی) «خَلجی ها جانشین مُعِزیان» جانشینان «قطب الدین ایبک» شدند. مهم ترین حاکم دودمان «خلجی ها» -علاء الدین محمد- (۷۱۶-۶۹۶ هجری) است که خود را اسکندر دوم می دانست. یکی از مهم ترین و مشهورترین آثار معماری اسلامی در دهلی مقبره نظام الدین است که در زمان «علاء الدین و پسرش» در محله ای که امروزه به نظام الدین مشهور است ساخته شد. ویژگی های این بنا به سبک و شیوه مقابر در معماری ایرانی است، که پلان آن مربع شکل و در روی این پلان گنبد و دور آن را ستون تشکیل داده است. پس از خلجی ها «تَغَلقی ها»^(۷) در دهلی قدرت را به دست گرفتند (۷۲۰ الی ۸۱۷ ه. ش - ۱۳۲۰ الی ۱۴۱۴ م.) این دودمان که نسبتشان به قاضی مالک تغلق (فرمانده ترکی - هندی که از ۱۳۰۵ میلادی از جانب خلجی ها فرماندار مولتان بود) می رسید، حامیان بزرگ فرهنگ و اندیشه و هنر اسلامی محسوب می شوند. اینان در طول حکومت خود در دهلی سه شهر بر آن افزودند: تغلق آباد، جهان پناه، و فیروز آباد و چنان در گسترش کیفی و کمی معماری با استفاده از معماران و مهندسان کوشیدند که اولین سبک معماری اسلامی را به نام «معماری تغلقی» بنیان نهادند. در این سبک «برخی عوامل بومی مانند ستون ها، شاه تیر ها و سگ دست ها، فنونی هم چون تنظیم دما با آب را با ویژگی هایی نظیر قوس و طاق و گنبد که در نقاط دیگر، مشخصه معماری ایرانی به شمار می رود در آمیختند.» (بلر. جانانان ام بلوم، ۱۳۸۱: ۱۸) گنبد، سقف یا ساختمان بیضی شکل که غالباً با آجر بر فراز معابد و مساجد و یا قبور می ساختند. پوشش گنبد در ایران پیشینه ای دیرینه دارد. کمبود

چوب‌های استوار و کشیده که در حقیقت عنصر اصلی پوششی تخت است سبب شده است، گنبد رواج پیدا کند و به خصوص در دهانه‌های وسیع‌تر جای پوشش تخت را بگیرد. کهن‌ترین شکل‌های منحنی، در پوشش زیرین چغازنبیل (هزارهٔ دوم ق. م) وجود دارد با وقفه‌ای طولانی، در دوران هخامنشی معماری درخشانی با پوشش مرتفع و مسطح در اوج قدرت و کارایی جلوه داد ولی چه قبل و چه بعد از آن به علت فراهم نبودن شرایط خاص اقتصادی در این دوران آوردن چوب سدر از جبل عامل و ساج از گنداره همیشه میسر نبوده و در جنگل‌ها و جلگه‌های این سرزمین هم چوب مناسب پوشش پرورش نمی‌یافته است. لذا اتاق‌های منحنی و گنبد جای اصلی خود را به عنوان یک پدیده ساختاری و اقلیمی در معماری ایران به آسانی پیدا می‌کنند. هنر تزیینات روی گنبدها با ایجاد خطوط اسلیمی و هنر خطاطی و کاشی کاری به اوج خود رسید و معماران ایرانی از داخل هم به وسیله مقرنس‌ها توانستند زیبایی گنبد را دو چندان کنند. نخستین نمونه معماری تغلق‌ها در مولتان^(۸) پاکستان است این بنا که در سال ۷۲۰ هجری (۱۳۲۰ میلادی) ساخته شد مقبره «رکنی»، عالم صوفی است که به همت قاضی مالک تغلق بنا گردید. این بنا از آجر ساخته شده و درون و بیرون آن با آجرهای برشدار و قالبگیری شده، تزیین شده است. از دیگر ویژگی‌های معماری ایرانی معماری خاک و گل است که در این بنا نیز نقش دارد که با قالب‌گیری و تزیین به صورت نگینی زیبا در دل بنا به نظر می‌آید. شهر «تغلق‌آباد» که امروزه جزئی از دهلی و از دور چون دژی عظیم به نظر می‌رسد و در ابتدای جاده دهلی به آگرا قرار دارد دارای سیزده دروازه بود که به داخل آن راه می‌یافتند و در درون خود علاوه بر بناهای بسیار، مدرسه و مقبره «قاضی مالک تغلق» را در بر داشت. این مقبره که هر ضلعش ۱۶ متر دارد از لاشه سنگ ساخته شده و روی آنرا با سنگ‌های ماسه‌ای قرمز و مرمر سفید تزیین کرده‌اند. یکی دیگر از ویژگی‌های معماری شیوه آذری در دوره دوم، ایجاد و احداث مدارس بوده که نمونه‌های آن در ایران، مدرسه‌ی «غیاثیه خرگرد» (خرجرد) می‌باشد. اما نکته مهمی که در این جا باید خاطر نشان کرد این که معماری اولیه اسلامی در هند، متأثر از معماری پر تجمل و پر زینت هندی (هم چون معابد هندو، جین^(۹)) تمایل وسیعی در به کارگیری تزیین با استفاده از نقوش هندی، گیاهی و کتیبه نویسی داشت. این مسأله در دوران تغلق‌ها نیز رواج یافت. یکی دیگر از ویژگی‌های

معماری دوره تیموریان در ایران ، استفاده بیشتر از کاشی تراش (معرق) در تزئینات بوده است. و خطوط کوفی بنایی و ثلث را به صورت کتیبه با کاشی های لعاب دار در بنا ها به کار می بردند چنان که در این بنا به کار رفته است. جانشین « قاضی » مالک تغلق (یا غیاث الدین ، لقبی که برای خود برگزیده بود) فرزند او « محمد ابن تغلق » است. (۷۲۶ الی ۷۵۲ هجری) او نیز دژی در نزدیکی تغلق آباد بنا کرد. اما مهم تر از او « فیروز شاه » است. (۷۵۲ الی ۷۹۱ هجری) گفته می شود وی خود طراح بوده است و بناهای زیادی را نیز طراحی کرده است . وی شهر فیروز آباد را در ده کیلومتری شمال جهان پناه بنا کرد که از آن تنها ارگ شهر باقی مانده است . فیروز شاه آخرین حکمران مقتدر خاندان تغلق است شانزده سال پس از مرگ وی دهلی با هجوم و تاراج مواجه گردید و حکومت تغلق ها از هم پاشید . در دوره خاندان های « سادات »^(۱۰) (۱۴۱۴ الی ۱۴۵۱ میلادی) و « لودی »^(۱۱) (۱۴۱۵ الی ۱۵۲۶ میلادی) ساخت مساجد جامع بزرگ که در دوره دودمان های سلاطین دهلی مورد توجه بود جای خود را به مساجد جدید کوچک تری داد که نخستین این مساجد مسجد بارا گنبد است که در سال ۹۰۰ هجری به دست « اسکندر لودی » در « بغیجود »^(۱۲) ساخته شد. از دیگر مساجد ساخته شده در هند ، مسجد « آدینه » در شهر « پاندوا » است. این شهر که مرکز بنگال محسوب می شود و جزو مناطق تحت سلطه سلاطین دهلی بود در سال ۱۲۸۷ میلادی به استقلال رسید این مسجد توسط « اسکندر شاه » ساخته شد. این مسجد یکی از بزرگ ترین مساجد هند به شمار می آید. « جون پور » در شمال هند و (امروزه در استان اوتار پرادش) مرکز دولت اسلامی قدرتمندی بود که در زمان « ملوک شرقی » ، « به سبب دانش و فرهنگش » به « شیراز هند » شهره گشت. مسجد جامع این شهر که توسط « ابراهیم شرقی » در سال ۸۱۱ هجری بر شالوده های معبدی هندویی بنا گردید، دارای گنبدی بزرگ به قطر ۱۷ متر و محوطه ای در حدود ۷۹ متر است. از دیگر مساجد هند ، مسجد جامع احمد آباد در ایالت « گجرات »^(۱۳) است. این مسجد توسط بانی شهر « احمد اول » نوه ظفرخان تغلقی ساخته شد. ویژگی معماری این مسجد ایجاد پیوند میان معماری اسلامی با معماری هندی است. (بلر . جانانان ام بلوم ، ۱۳۸۱ : ۱۸۴). از ویژگی های دیگر معماری ایرانی که در این مسجد به کار برده شده ، استفاده از سبک گنبد بزرگ پیازی است که نمای بیرونی آن شیار دار می باشد. دوره دوم با ظهیر الدین بابر شروع می شود . در این دوره به

نامی بر می خوریم تحت عنوان «عبدالرحیم خانِ خانان» وی را شخصیتی عالی مقام می دانند که یکی از حامیان بزرگ معماری هند بود. در مدح عبد الرحیم خان گفته اند « او هندوستان را به ایران تبدیل کرد » ظهیر الدین بابر: وی مؤسس سلسله سلاطین مسلمان هند است. از پدر به تیمور و از مادر به چنگیز می رسد وی ابتدا حاکم کابل بود اما در سال (۱۵۲۵ م.) با حمله به دهلی ، سلطان لودی و سران راجپوت^(۱۴) را به تسلیم واداشت و بنیان گذار سلسله سلاطین مسلمان دهلی گشت. او یکی از اولین کسانی است که عامل حضور وسیع معماری و طراحی ایران در هند شد. سبک ایرانی (چهار باغ) منسوب به بابر است . او بیش از چهار سال حکومت نکرد و در سال (۱۵۳۰ م.) درگذشت. پس از او فرزندش همایون قدرت را به دست گرفت اما در سال (۱۵۴۰ م.) از شورشیان بزرگان «لودی» ، به ویژه « فرید خان افغان » شکست خورد و به مدت ۱۵ سال به حالت تبعید در ایران و افغانستان به سر برد . حضور او در دربار شاه طهماسب صفوی ، نقطه عطفی در حضور هنر و فرهنگ ایرانی در هند شد. همایون پس از بازگشت به دهلی دو تن از نقاشان ایرانی آن زمان « میر عبد الصمد » و «میر سید علی » را با خود به دهلی برد. همایون با یاری صفویان حکومت خود را بار دیگر در سال (۱۵۵۵ م.) به دست آورد، اما یک سال پس از آن از پلکان کتابخانه خویش سقوط نمود و جان باخت. فرزند او اکبر به مدت ۵۰ سال حکومت نمود. از اولین آثار معماری دوره اکبر ، مقبره همایون پدر او در دهلی ، در شرق آرامگاه نظام الدین است. این بنا که بی هیچ تردیدی الگوی معماری تاج محل است در مرکز باغ بزرگی به مساحت ۳۴۸ متر مربع قرار دارد. مقبره « همایون» بر صفه یا کرسی بزرگی به مساحت ۹۹ متر مربع و ۵۶ اطاقک قرار دارد که در بر گیرنده صد مقبره یادبود است. تأثیر معماری ایرانی بر این بنا بسیار بارز است، زیرا گفته می شود معمار آن « میرزا غیاث »^(۱۵) معمار ایرانی تبار است مرقد میرک میرزا و خاندانش در این باغ قرار دارد. «هم چنین گوشه های فضای مرکزی مشتمل بر مقبره همایون را با حجره های هشت گوشه (که مقابر یادبودی اعضای مختلف خانواده همایون را دربر گرفته) پر ساخته اند. از این نوع نقشه که در فارسی غالباً هشت بهشت خوانده می شود در ایران عهد تیموری استفاده می کرده اند.» (هالاید ، ۱۳۷۶: ۳۵-۴۷) تبعیت پادشاهان گورکانی از سبک های ایرانی دوره

تیموری صرفاً به دلیل حضور معمارانی چون «میرک میرزا غیاث» که معمار هرات و بخارا بوده است نیست، بلکه دلیل محکم تر دیگری در این تبعیت وجود دارد و آن تمایل پادشاهان «گورکانی» به ابراز و اظهار پیوند خود با نیاکانشان در ایران است. اکبر هم چنین دستور ساخت شهر «فتح آباد» یا «فتحپور سیکری»^(۱۶) را در سال (۱۵۷۰ م) صادر کرد. در چهارده سالی که اکبر در این شهر سکنی گزید بناهای مهمی در آن ساخته شد.

مسجد جامع فتح پور:

این مسجد در سال های (۱۵۷۳ و ۱۵۷۴ م) به دستور اکبرشاه ساخته شد و از بزرگ ترین مساجد هند به شمار می رود. از دیگر ویژگی های معماری آذری (تیموری) علاقه وافر آن ها به ایجاد بنا های عظیم و مرتفع می باشد. صحن وسیع مرکزی مساحتی در ابعاد ۹۵ در ۱۱۸ متر مربع دارد و طاق هایی با چند گنبد را در میان گرفته است. بر فراز شبستان واقع در غرب بنا یک رشته کلاه فرنگی گنبد دار قرار دارد. نمای آن را ایوان بلندی که گنبد شبستان را پوشانده است و دو قسمت می کند. در شمال صحن مسجد، مقبره «سلیم چشتی»^(۱۷) قرار دارد هموکه در سال (۱۵۶۸ م) برای اکبر شاه که پسری نداشت پیشگویی کرد به زودی صاحب سه فرزند پسر خواهد شد. این مقبره که با سنگ سفید مرمر ساخته شده است و یکی از زیباترین قسمت های مسجد است. در زمان اکبر با حمایت و تشویق معماران، معماری هند و اسلامی در هند تثبیت شد، و سبکی با استفاده از اسلوب معماری ایرانی و مصالح هندی به ویژه سنگ ماسه قرمز به وجود آمد. این سبک نه تنها در دهلی و اطراف آن که مرکز اصلی حکومت «گورکانیان» بود، که در دکن نیز حضور جدی داشت. حاکمانی که پس از بهمَنیان قدرت را در دکن به دست گرفته اند و پر دوام ترین دولت ها را در آن ایجاد کردند عبارتند از «ملوک عادل شاهیه» (۱۴۹۰ - ۱۶۸۶ م) فرزندان «یوسف عادل خان» و «ملوک قطب شاهیه» (۱۵۱۲ - ۱۶۸۷ م) که از نوادگان «قره قویونلو های» ایران بودند، هردو خاندان شیعه بودند، و روابط گرمی با صفویان ایران داشتند به همین دلیل در حمایت معماری، نقاشی و ادبیات بسیار علاقمند و جدی بودند و از معماران و هنرمندان ایرانی در بنا نهادن بسیاری از بنا ها بهره بردند. مرکز حکومت عادل شاهیه «بیجاپور»^(۱۸) بود که پس از دهلی تنها شهری است که بناهای تاریخی خود را حفظ کرده است. از میان حاکمان «ابراهیم دوم» یکی از بزرگ ترین حامیان هنر و معماری بود و از دوره او مقبره فرزندش در بیجاپور، تمثالی از یک معماری زیبا و موزون است. مرکز معماری دودمان دوم «قطب شاهیه» حیدر آباد است و چشمگیرترین بنای تاریخی این شهر، «چار منار» در مرکز شهر است، نوعی دروازه که قبل از آن در احمد آباد ساخته شده

است که نماد پیروزی و فتح محسوب می شود. مهم ترین بنای ایجاد شده در دوره «جهانگیر» - فرزند اکبر- ساخت مقبره اکبر در «سیکندر» است. (هشت کیلومتری شمال غربی آگرا) این مقبره هم چون مقبره «همایون» در باغ وسیعی قرار دارد. اکثر کتیبه های بسیار زیبای این بنا به فارسی است و توسط «عبدالحق شیرازی» که بعد ها به «امانت خان» ملقب شد؛ طراحی شده است. در ادامه این مطالب به ویژگی دیگری از معماری ایرانی می رسیم و آن چیزی نیست جزمعماری حیاط ها، اصل و مایه فضا سازی در این معماری فضای باز است، فضای بازی که بادقت و وسواس طراحی می شود و به همراه حوض های آب و فواره و درخت «مقبره اکبر» بر کرسی گچ کاری شده بزرگی (۱۰۴ متر مربع مساحت و ۱۴ متر ارتفاع) با طاقگان ها و مدخل های بیرون نشسته در هر چهار پهلو قرار دارد، خود مقبره ترتیب هرمی شکلی از سه ردیف کلاه فرنگی از سنگ ماسه قرمز و کلاه فرنگی های گنبد دار (چتری) در گوشه هاست. دهلیزی که با گچبری رنگی نفیسی، ایرانی وار، تزئین یافته، به شبیه ای باز می شود که به جانب اتاق گنبد دار و ساده مقبره در قلب بنا پایین می رود. (نائینی، ۱۳۷۵: ۱۸۹-۲۰۰) از دیگر ویژگی های معماری آذری دوران تیموریان، طاق بندی است که به واسطه آن به گنبد سازی روی آوردند. و هم چنین گچ بری های زیبا و عظیمی که خالق بناهای زیبا بود. اما اوج هنر معماری سلاطین گورکانی، دوره «شاه جهان» فرزند جهانگیر (۱۶۲۸ - ۱۶۵۸. م) است.

تاج مُحَل:

پرشکوه ترین و زیباترین معماری اسلامی در همه دوره ها و عرصه ها مربوط به دوره حکومت شاه جهان است. این بنا که به مروارید معماری اسلامی در سراسر جهان مشهور است، از دیدگاه برخی محققان نمونه ای زمینی از باغ های بهشتی و تجسمی از مجموعه اندیشه های نظام جهان شناسی اسلامی است. مقرر بود معماران هندی در مکتب تجربه بناهایی چون مقبره همایون و اکبر، به چنان سطحی از مهارت و توانمندی برسند که متأثر از سبک ایرانی، بنای بی نظیر، فاخر و مجلل تاج محل را خلق کنند.

این بنا، مقبره همسر محبوب شاه جهان «ممتاز مُحَل»^(۱۹) است. ممتاز محل یا آرجمند بانو فرزند «عین الدوله آصف خان» بود که در ۱۹ سالگی با شاه جهان ازدواج کرد و ۱۸ سال با او به سر برد، در این مدت ۱۴ فرزند برای شاه جهان آورد و نهایت جان خود را در سر چهاردهمین فرزند گذاشت.

گفته می شود « ممتاز محل » وصیت کرده بود بر سر قبرش آرامگاهی بنا کنند که در جهان نظیر نداشته باشد. مرگ همسر محبوب « شاه جهان » ، چنان وی را دلتنگ و افسرده ساخت که به مدت دو سال خود را از هر نوع فعالیت و لذتی محروم ساخت ، سپس در سال (۱۶۳۱ م.) دستور ساخت آرامگاه محبوبش را در کنار رود « جُمنّا » در « آگرا » صادر کرد . « کریستین پرایس » معتقد است طراح اصلی این بنا خود شاه جهان است ، اما به نظر نمی رسد ؛ چنین اعتقادی درست باشد. گفته می شود شاه جهان از میان معماران بسیار ، « استاد عیسی آفندی » را برگزید و وی به کمک « استاد احمد لاهوری » این بنای مجلل را از سال (۱۶۳۱ تا ۱۶۴۸ م.) با ۱۷ هزار کارگر و سرمایه ای بالغ بر ۵۰ لک (که هر لک معادل صد هزار روپیه است) بنا کرد. این بنا در مرکز باغی احداث شده که توسط علی مردان خان ایرانی طراحی و ساخته شده است « ارنست گُیل » در کتاب « هنر اسلامی » معتقد به نفوذ کامل معماری ایرانی در تقسیم بندی نمای خارجی تاج محل است : « در تقسیم بندی نمای خارجی آن ، نفوذ ایرانی کاملاً به چشم می خورد ولی در سایر جزئیات ، در انحناى اضلاع ، محیط گنبد ها ، در ساختمان برج های چهار گوشه جانبی و هم چنین از نظر ساختمان درونی ، نفوذ هندی بیش از همه مؤثر است و به طور کلی در ساختمان تمام بنا آن قدر قدرت و هماهنگی به چشم می خورد که مدت ها تصور می شد یکی از معماران اروپایی در ساختمان آن نظارت داشته است. » (هالاید. ۱۳۷۶: ۳۳۲) باغی که بنای اصلی تاج محل را چون نیلوفری سفید در میان گرفته است ؛ چهار بخشی است.

« تاج محل و صُفّه ای که بنا روی آن قرار گرفته از مرمر سفید صیقلی است.... گنبد بزرگ پیازی بر گریو بلند تری قرار گرفته ، کلاه فرنگی های کوچک گوشه ها نزدیک به گریو گنبد قرار دارد ، اتاق های هشت وجهی گوشه ها به گونه ای منطقی تر به هم متصل شده و چهار مناره بلند بنا را ، چهار چوب بندی کرده است . هنگامی که تصویر این نمای به دقت توازن یافته در آب راهی که باغ را تقسیم بندی می کند نمایان می شود . جلای عالی و کنده کاری پر تفصیل مرمرها آن را جذاب تر می گرداند غالب متن کتیبه های آن مشتمل بر آیات قرآن و در تأکید بر مقولات جهان واپسین به ویژه روز جزاء ، برخی برآنند که مراد از این کتیبه ها که امانت خان طراحی نمود ، آن است تا پیام مکنون در شکل بنا آشکار گردد و آن این که این مقبره نمادی تمثیلی از عرش الهی است که در روز جزا بر فراز باغ های بهشت قرار دارد. » (جلالی نایینی، ۱۳۷۵: ۵۸)

گفته شده است شاه جهان وصیت نموده بود دقیقاً نظیر و قرینه تاج محل ، بنایی از سنگ مرمر سیاه درخشان - که در زیبایی شناسی رنگ در تمدن اسلامی نشان شکوه و جلال مردانه است - در

آن سوی رودخانه جُمنّا یا یَمَنابه عنوان مرقّد او ساخته و با پلی این دو بنا را به هم متصل کنند تا نشانی بر وصل ابدی این عاشق و معشوق باشد. لیک «اورنگ زیب» بر این وصیت پدر هیچ وقعی نهاد و پدر را در کنار مادر به خاک سپرد. در داخل آرامگاه یا درگاه تاج محل دو قبر وجود دارد که با سنگ مرمر یکپارچه تزئین شده است کنار سنگ مرمر قبر سمت راست به خط نستعلیق فارسی نوشته شده است: مرقّد منور ارجمند «بانو بیگم» مخاطب به «ممتاز» محل متوفی سنه... کنار سنگ مرمر چپ نوشته شده است: «مرقّد مطهر اعلی حضرت فردوس آشیانی صاحب قران ثانی شاه جهان طاب ثراه (سنه ۱۰۷۶ ق)» این شیوه نوشتن در قبرهای دوره صفوی و قاجاری نیز دیده می‌شود. و نمونه ای روشن از به کار گیری خط، به خصوص خط ایرانی یعنی (نستعلیق) در معماری بنا های این دوره می باشد. آثار دیگر دوره شاه جهان عبارتند از: «مسجد جامع دهلی که به مسجد قلعه نیز شهرت دارد و نیز به دلیل مرمر شفاف سفید رنگی که در آن به کار برده اند، «مسجد مروارید» نیز نام دارد. این مسجد مشتمل است بر شبستانی مستطیل شکل که با جرزهای چلیپا شکل به سه فرش انداز هفت دهانه تقسیم شده است که بر طاق های تیره جناغی نهاده شده و بالای آن ها سه گنبد پیازی قرار دارد.» (هالاید، ۱۳۷۶: ۳۱۰)

نتیجه گیری

با توجه به دسته بندی شیوه های معماری ایرانی که در صفحات قبل عنوان گردید و با حضور شواهد متعدد مبنی بر حکمرانی حاکمانی از خانواده تیموریان و... در هند به این نتیجه می رسیم که در سبک معماری اسلامی هند، شیوه های معماری ایرانی آذری (دوره دوم) که متعلق به حکومت تیموریان می باشد و تا ظهور معماری اصفهانی نیز ادامه می یابد. از مهم ترین ویژگی های معماری آذری دوم (تیموری) که در بنا های هند به کار برده شده می توان به: ۱- ایجاد بنا هایی در ابعاد بزرگ ۲- تزئینات و آرایش بناها ۳- به وجود آوردن طاق های ضربی در بناها ۴- استفاده از کاشی معرق در تزئینات بناها ۵- به کاربردن گنبد هایی با ساقه های بلند و دارای شیار ۶- استفاده از گنبد های پیازی شکل ۷- دلبستگی و ایجاد طاق بندی در بناها ۷- ایجاد گنبد هایی دو پوشه در بناها از دیگر ویژگی برجسته تزئینات معماری در این سبک، مهارت فوق العاده ای در گچ کاری و به کار بردن آن به انواع گوناگون است: گچ به عنوان کمک و ماده الحاقی به ساختمان، تویی های ته آجری، روکشی مسطح، برجسته کاری بلند، تزئین گچی توپُر و توخالی، گچ کاری وصله ای و گچ کاری رنگی، می باشد.^{۲۰}

بدین دلیل که معماری تیموری نیز اصالتاً یک معماری ایرانی بود، محققان تردیدی ندارند که حضور بارز هنر ایرانی در هند به ویژه پس از اقامت یکی از سلاطین مسلمان هند (همایون) در ایران و به همراه بردن هنر مندان ایرانی به آن دیار توسط این سلطان، هویت هنر و معماری اسلامی - ایرانی هند را رقم زد. آن چه بررسی گردید، نمایانگر حضور روح هنر ایرانی در هند بود و گرچه تأکید بیشتر بر معماری بود اما در رشته های دیگر هنری نیز این حضور، چشمگیر بوده است. مثلاً در نگارگری حضور «عبد الصمد» و «میر سید علی» که هردو با همایون از ایران به هند آمده بودند، انقلابی در نگارگری هندی ایجاد کرد. اکبر -فرزند همایون- به این دو نقاش بزرگ توجه زیادی نمود و حتی چنان که گفته می شود نزد آنان طراحی آموخت. این دو هنرمند به همراه هنرمندان مسلمان هندی آثار هنری بزرگی آفریدند که نمونه های مشهور آن، طرح های عظیم «حمزه نامه» و «اکبر نامه» است. در این آثار «پرسپکتیو عمودی»، استفاده از رنگ ها و نیز ترکیب صورت ها، همانندی کاملی با هنر نگارگری ایرانی دارد. تنها تفاوت در این است که در سنت نقاشی ایرانی تا زمان صفویه، نقاشان، بیشتر مضامین عرفانی، اخلاقی، تاریخی، حماسی و دینی را تصویر می کردند. لیک در هنر نگارگری اسلامی هند، بیشتر توجه به وقایع زندگی پادشاهان معاصر توسط هنرمندان نگارگر است، امری که در ایران نیز کم و بیش پس از مدتی باب شد.

پی نویسی ها

1-qotb aldin eibak

2-zahir aldin babur

3-manar qotb

4-gerabar

5-ething hawzen

6-altotmish

7-teghlegh

۸- مولتان در هندی و در اردو مُلتان

۹- جین- از لغتی از سانسکریت می آیدبه معنی فتح کردن و یکی از مذاهب هند در قرن ۵ تا ۷ (قبل از میلاد) می باشد

۱۰- حکومت شیعی هند و بعد از تغلقی ها روی کار آمدند

۱۱- لودی یا لودهی

12-baghijood

۱۳- ایالتی در غرب هندوستان

۱۴- یکی از گروه های بزرگ هندی در شمال این کشور

۱۵- هنرمند ایرانی که در هند آثار زیادی خلق نمود

۱۶- به معنی شهر پیروزی در نزدیکی شهر آگرا

۱۷- صوفی مکتب چشتی هند

۱۸- بیجاپور

۱۹- نام ارجمند بانو همسر شاه جهان از پادشاهان گورکانی هند

منابع و مآخذ

- ۱- ایونس، ورونیکا(۱۳۷۳) ، شناخت اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی ، تهران : نشر گلشن ، چاپ اول.
- ۲- پوند، باربارا(۱۳۸۳) ، هنر اسلامی، ترجمه: مهناز شایسته فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- ۳- برنی، ضیاءالدین(۱۸۶۶ م.)، تاریخ فیروز شاهی، کلکته : چاپ دوم.
- ۴- بلر، جانانام بلوم (۱۳۸۱) ، هند ، ترجمه :احمد آرام ، تهران : نشر دانش ، چاپ دوم.
- ۵- جلالی نائینی، سید محمد رضا(۱۳۷۵) ، هند در یک نگاه ، تهران : شیرازه ، چاپ اول
- ۶- شاله ، فیلیسین(۱۳۵۵) ، تاریخ مختصر ادیان بزرگ ایران وهند ، ترجمه: منوچهر خدایار ، نشر طهوری، چاپ دوم.
- ۷- ربیعی ، هادی(۱۳۸۸) ، جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (دفتر اول) تهران : نشر متن ، چاپ اول.
- ۸- غفاری فرد، عباس قلی(۱۳۸۱) ، نقش صفویه در حکومت گورکانیان هند، تهران : نشر کیهان فرهنگی.
- ۹- مینپل، استانلی(۱۳۶۶) ، تاریخ دولتهای اسلامی و خاندان حکومتگر، دهلی: جلد دوم.
- ۱۰- هالاید ، مادلین (۱۳۷۶) ، هنر هند و ایرانی ، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نشر مولی .

منابع لاتین

- 1-Atiq.siddiqui, (1990),The story of Islamic calligraphy of India, sarita book house,delhi.
- 2-Hinnells.John.R.(1985),Persian architecture,Chancellorpublishing.
- 3-Rowland.Benjamin.(1970),The art &Architecture of Indian religens.